

ادامه از صفحه اول

مناسقم

واقعا مشکل ما مسوولیت اجتماعی خودمان است. راستش این برای ما پیشرفت محسوب می‌شود که طوری اسید پاشیم که طرف مربوطه سالم بماند اما حساب‌کار هم دستش بیاید. قدیم سیگار می‌چسباندند تا هم علامت گذاشته باشند هم طرف بفهمد داستان چیست. الان اسید می‌پاشند.

اصولا این سبک که یک‌طوری بزنند که جاش معلوم نباشد، سبک متداولی در اذیت‌وآزار آدم محسوب می‌شود.

خواهش می‌کنم دست نگذارید روی دلم تا سفره دلم را باز نکنم. یک‌طوری زیرپوستی موضوع را مطرح کنم که کسی متوجه نشود جز خودم و شما. شما هم به کسی نکویید این موضوع را من خیلی زیرپوستی مطرح کردم. ممنونم.

خلاصه به‌نظر ما زنان ما کم‌کم باید با لباس کار بیایند از خانه بیرون. یعنی علاوه‌بر کلاه‌ایمنی باید لباس‌نسوز هم بپوشند. دستکش صنعتی هم داشته باشند.

ماسک ضدشیمیایی و ماسک ضداسید و گوشی ضدآلودگی مجهز به صداگیر آزار کلامی هم همراهشان باشد.

اصلا ما پیشنهاد می‌دهیم بهترین راه برای امنیت زنان این است که یا کلا از خانه بیرون نیایند یا اگر می‌آیند توی گاوصندوق خودشان را استتار کنند و خلاص.

همسر آزاری و شانس ما

البته راستش را بخواهید زنان توی خانه هم امنیت ندارند. چون معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفته: «از ابتدای سال ۹۳ تاکنون ۱۲۰هزار تماس مرتبط با فعالیت‌های اورژانس اجتماعی، با تلفن ۱۲۳ برقرار شده است که هشت‌درصد آنها در ارتباط با «همسر آزاری» بوده است.» پس فهمیدیم اگر زن از خانه برود بیرون اسید می‌پاشند روش و یک‌طور آزارش می‌دهند. اگر در خانه بماند می‌روند روی اعصابش و شاید هم دست بلند کنند روش و یک‌طور دیگر آزارش می‌دهند.

ما شانس آوردیم مَردیم و آزاری که در جامعه و خانه می‌بینیم خیلی کمتر از زنان است. اما شانس نیاوردیم و اگر ببینیم کسی دارد آزار می‌بیند خودآزاری می‌کنیم و بسیار غصه می‌خوریم. حالا هم آمولانس را روشن می‌کنیم و از خجالت می‌رویم در افق گم شویم.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه • ۵ آذر ۱۳۹۳ • ۳ صفر ۱۴۳۶ • ۲۶ نوامبر ۲۰۱۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۷۲ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۲ • اذان مغرب ۱۷:۱۲ • اذان صبح فردا ۵:۲۳ • طلوع آفتاب ۶:۵۲

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com



نباید به راحتی گذشت



احترام برومند

که پایین‌تر از معدل ۱۹/۵ را اسم‌نویسی نمی‌کنند. آیا با تمام تغییراتی که در ساختار جامعه ایجاد شده، با تغییرات چشمگیر در کودکان و نوجوانان، نظام آموزشی ما نباید تغییر کند؟ و همچنان این سیستم قدیمی آموزشی در کشور باید پابرجا باشد؟ به یاد می‌آورم کودکی و نوجوانی نسل خودم را. شش، هفت، هشت، دوازده بچه در یک خانه... بدون اینکه پدر و مادر کوچک‌ترین فشار و تهدیدی رویان داشته باشند، حتی خیلی‌وقت‌ها بی‌اینکه بدانند ما کلاس چند هستیم! با نمره ۱۲ و ۱۳ خوشحال و خندان و امیدوار، با حسی که امروز در کمتر جوانی می‌بینیم، به منزل می‌آمدیم. با معدل ۱۲ قبول می‌شدیم، سرشار از نشاط، سه‌ماه تابستان را با نفس آسوده می‌گذراندیم. حالا می‌بینیم سه‌ماه تعطیلی دوست‌داشتنی بچه‌ها

گزارش فردا

پس از ۶ سال، حال «شاهوردی» بهتر می‌شود؟



شد و شکستگی کمربش، هرچه را که همسرش با بیدار‌خوانی رشته بود، پنبه کرد. حالا صدابرداری که تا دوسال پیش حال عمومی‌اش بهتر شده بود و امید می‌رفت، زندگی را از سر بگیرد، تن‌رنجوری است روی تخت که فقط دو چشم پراشک و خیره دارد. سوال می‌کنم اما صدایم را نمی‌شنود، شاید هم می‌شنود اما رویش را برنمی‌گرداند. بعد همین سوال را «بهروز معاونیان» می‌پرسد. معاونیان که همراه برای دیدار از او آمده، هم‌رزم شاهوردی است؛ چه در جبهه‌های جنگ و چه سال‌های سال پشت «بوم» و «دستگاه‌های دیجیتالی صدابرداری»: «اگر حالتان بهتر شود به سینما بروید گشت؟» پرهای اشک در چشم همه آنها که نشسته‌اند دور تخت شاهوردی سایه می‌اندازد و او با سر جواب می‌دهد «نه!». انگار این پاسخ منفی پیش

سعید برآبادی؛ صدای خشار خسرو شکیبایی وقتی که در «هامون» می‌پرسید: «به کجای این شب تیره بیاویزم قیای ژنده و کپ‌زده خود را؟» اگر امروز در خاطره همه ما ثبت شده، مهرون استعداد بی‌همتایی است که صدابرداری سر صحنه را بعد از انقلاب به سینمای نوپای آن زمان آموخت. «اصغر شاهوردی» حالا سال‌هاست که بستری جز ملافه‌های سفید بیماری ندارد. شش‌سال پیش او همراه عوامل فیلم سینمایی «چراغی در مه» داشتند در نزدیکی‌های خلخال، چراغی در مه روشن می‌کردند. در بازگشت از محل فیلم‌برداری، اما تقدیر چیره شد بر ماشینی که آنها را می‌آورد به تهران. همه‌چیز در هم گره خورد تا یکی از اسطوره‌های صدابرداری سینمای ایران تا مرگ برود و بازگردد؛ بازگشتی بدون آنکه بتواند روی چهارستون بدنش، زندگی را از سر بگیرد. خانواده‌اش، چون شمعی بالای سرش بیدار ماندند، از ششم آذرماه ۸۶ تا فردا که می‌شود هفت سال کامل! در این مدت شاهوردی گاه از صداوسیما و گاه از سوی سینما حمایت‌هایی شده اما قطره چطور می‌تواند دریا را سیراب کند؟ او که باید هر روز تحت فیزیوتراپی قرار می‌گرفت و البته درمان‌های ویژه، از هر دو بی‌بهره ماند تا اینکه پوکی استخوان قالب

خرید هوشمندانه

www.saipagroup.ir

فروش ویژه محصولات گروه خودروسازی سایپا



« سود مشارکت متفاوت با قیمت قطعی
« تحویلات ویژه بدون ضامن
« تنوع انتخاب محصولات



گروه خودروسازی سایپا

جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر به شبکه گسترده نمایندگی های مجاز گروه خودروسازی سایپا در سراسر کشور مراجعه نمایید .

توجه : واریز به حساب بانکی غیر از حساب سایپا خرید تلقی نمی گردد و شرکت هیچ گونه مسئولیتی در قبال تحویل خودرو ندارد .